آخر خط

غریبه‌ها

قسمت اول

ایلیا موسایی| نور نیمه‌جان روز روی پوست صورت سارا می‌نشست. ابرها درهم‌پیچیده بودند و خاکستر ماتم‌باری در جان آسمان نفوذ کرده بود. سارا گفت: «هرجا سرویس دیدی نگه‌دار.» امیر صدای ضبط را بلند کرده بود و بی‌توجه به اوضاع هوا توی حال و هوای خودش بود. گفت: «خودمم باید برم.» سارا گفت: «باز ماشینو مثل اون‌دفعه ول نکنی به امون خدا.» امیر عینک آفتابی‌اش را روی تیغه دماغش جابه‌جا کرد. گفت: «بی‌خیال بابا. نمی‌بینی شهرشون چقدر کوچیکه، یه‌گاز دادم از اول تا آخر شهرو تو ۱۰ دقیقه رفتم.» سارا گفت: «بازم این حرفای تکراری.» امیر مستقیم را نگاه می‌کرد.

کم‌کم روی شیشه قطره‌های کوچک نم می‌نشست. گفت: «تکراری گیرای توعه که تمومی نداره. بابا بی‌خیال سعی کن یه‌کم خوش بگذرونی. به‌خدا اینجا کسی دزدی کنه نیم‌ساعته پیداش می‌کنن.» توی کوچه‌های پهنی می‌راندند که دیوارهای خشتی داشت و هم‌زمان با نشستن قطره‌های باران روی زمین بوی خاک، تندتر از حالت طبیعی کشیده می‌شد توی ریه‌ها. یک تابلو کوچک دیدند که فلش شلخته‌ای به‌سمت راست داشت؛ «سرویس بهداشتی» امیر گفت: «بفرمایید خانم. اینم خدمت شما.» سارا گفت: «عین شهر ارواحه، انگار آدم اینجا زندگی نمی‌کنه.» امیر گفت: «همه‌جا که عین مشهد شلوغ‌پلوغ نیست. اینجا بس که کسالت‌باره آدم دل‌ودماغ جنبیدن از سرش می‌افته.» سارا چیزی نگفت. سریع و فرز سه‌چهارتا دستمال کاغذی از جعبه روی داشبورد کشید و خودش را رساند به در فلزی کرم‌رنگ که بالایش تابلو کوچک و آبی «بانوان» دیده می‌شد. روبه‌روی آینه کثیف بزرگ ایستاد.

صورتش انگار پر از دمل و آکنه باشد. از جیب مانتو بسته کوچکی بیرون آورد و کف دستش خالی کرد. بعد سعی کرد پره‌های دماغش را روی خط‌های دستش طوری تنظیم کند که همراه دم، پودر سفید را بکشد توی منخرینش. سرش را بالا گرفت و یک‌لحظه چشم‌هایش توی حدقه به بالا چرخید و سفید شد. با انگشت سبابه چندبار نوک دماغش را مالید. با حالتی شبیه تلوتلو خودش را از وسط بوی گند و وزوز مگس انداخت بیرون. به پشت‌دستش نگاه کرد که قطره باران نشسته بود روی پوست گندمی‌اش. سر بالا کرد، نه ماشین را دید و نه امیر را. مثل کم‌عقل‌ها خندید. با خودش فکر کرد چرا خندید؟ خودش را جمع‌وجور کرد و با حالتی شبیه ترسیده‌ها رفت سمت سکوی کوچک سیمانی که در چند قدمی‌اش بود. دست کرد توی کیفش. شماره گرفت. صدای زنانه‌ای جواب داد. باتعجب به صفحه‌گوشی نگاه کرد. لب‌هایش را روی هم فشار داده بود و ابروهایش گره خورده بود به هم. گفت: «ببخش مامان اشتباه گرفتم.» قطع کرد. شماره امیر را به‌سختی پیدا کرد، بووووق... بووووق... رد داد. سارا همان‌جا که نشسته بود با حرکتی سریع سرش را میان دو دست گرفت و تا می‌توانست فشار داد. بعد ناگهانی و تند آینه کوچک گرد را از توی کیفش کشید و صورتش را نگاه کرد. یک خط خون از سوراخ بینی‌اش آمده بود پایین. تندتند با سرآستین‌های سبزش صورتش را پاک کرد و زل زد به رد خونی که روی آستین‌ها مانده بود. امیر گفت: «ها!» همان‌جا ایستاده بود و داشت کمربندش را سفت می‌کرد. سارا نگاهش کرد. با یک حرکت سریع از جا بلند شد. امیر گفت: «چته بابا؟» سارا عین عفریته‌ها گفت: «هووی چرا رد دادی؟» امیر گفت: «باز حالت خوب شده‌ها.» آمد سمت سارا و با انگشت شستش خون دماغ او را گرفت. گفت: «دست‌شویی بودم که.» سارا گفت: «ماشین نیست.» امیر یک لحظه برگشت. همان‌جا خشکش زد. مثل مجسمه زل زده بود. بعد دوتا دستش را آورد بالا و زد توی سر خودش. گفت: «یا ابوالفضل» سارا مثل آدم‌های خنگ خندید و بعد سریع خودش را جمع کرد. امیر محکم کوفت توی سر سارا. گفت: «تو اگه هی از این زهرماری نزنی وضعمون این نبود.» سارا سکندری خورده بود و درحالی که سرش روی گردن باریکش می‌لرزید، چشم‌هایش تا منتهی‌الیه به یک‌طرف چرخیده بود. انگار نیرویی نمی‌گذاشت به امیر نگاه کند و او تمام تلاشش را می‌کرد تا مردمک چشم‌هایش را میخ کند روی او. امیر گفت: «هی اینجا سرویس دیدی وایسا، آی اونجا سرویس دیدی وایسا.» سارا دندان‌هایش را روی هم فشار می‌داد و صدایی مثل خرناس بیرون می‌داد. بعد خودش را انداخت روی زمین و شروع کرد مشت‌پراندن و مدام می‌گفت: «خفه شو، خفه شو، خفه شو...»

ادامه دارد

خبر

دستگیری سارقان گوسفند!

گروه حوادث| با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد، پنج متهم به سرقت‌های سریالی که بیش از ۱۰۰ رأس گوسفند را سرقت کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. در پی گزارش سرقت‌های سریالی احشام در محدوده روستاهای حاشیه شرق مشهد، پرونده ویژه برای شناسایی و دستگیری عاملان این سرقت‌ها در پلیس آگاهی تشکیل شد. در بررسی‌های میدانی پلیس مشخص شد که سرقت‌ها توسط اعضای یک باند حرفه‌ای انجام شده است و متهمان با شناسایی دامداری‌های سنتی روستاهای مرغش، کنه‌بیست، فیض‌آباد و سالارآباد، شبانه اقدام به سرقت احشام کرده‌اند.

سارقانی که در یکی از سرقت‌ها در محدوده روستای فیض‌آباد با سروصورت پوشیده، دست و پای چوپان را بسته و بعد از ضرب‌وشتم او ۲۶ رأس گوسفند را سرقت کرده‌اند و از محل متواری شده‌اند. در ادامه، کارآگاهان پلیس آگاهی توانستند پنج مرد جوان که در سرقتی دیگر قصد بردن ۲۶ رأس گوسفند از یک دامداری را داشتند، در عملیاتی ضربتی دستگیر کنند. به‌طوری که پلیس دو نفر از این متهمان را که داخل یکی از کوره‌های آجرپزی همان محدوده مخفی شده بودند، با همکاری مالک دستگیر کرد. متهمان که اتباع خارجی هستند، بین ۱۸ تا ۳۵ سال دارند. این افراد به سرقت نافرجام ۲۶ رأس گوسفند از این خانه روستایی و ۸۲ رأس گوسفند دیگر در روستاهای محدوده جاده کنه‌بیست، طی شش فقره سرقت اعتراف کرده‌اند. تحقیقات از متهمان برای کشف دیگر جرائم احتمالی و شناسایی و دستگیری افراد مال‌خر با هماهنگی مقام قضایی ادامه دارد.

سراب میلیاردی

پیگیری ۲ پرونده فضای مجازی که شیادان به بهانه سرمایه‌گذاری و رمالی، ۲ زن را سرکیسه کردند

محمدجواد ابوعطا

گزارش

هر دو زن بودند. یکی زندگی مشترکش را در بن بست می دید و دیگری به دنبال سرمایه‌گذاری مطمئن و بدون ریسک بود تا پولش در بازار کنونی بیشتر از این آب نشود. اولی می‌خواست کاری کند که به‌اصطلاح شوهرش سر به‌راه شود و دیگری می‌خواست پولش را هدفمند سرمایه‌گذاری کند. اما راه هر دو درنهایت به یک‌جا ختم شد و دست‌به‌دامن فضای مجازی شدند. یکی برای یافتن طلسمی که شوهرش را مهربان کند و زن دیگر برای یافتن فردی دانا به امور سرمایه‌گذاری که وضعیت مالی‌اش را کن‌فیکون کند، اما خروجی هر دویکی بود و اسیر شیادان فضای مجازی شدند. چندین پرونده به پلیس فتای مشهد ارجاع شده بود که نشان از کلاهبرداری در حوزه رمزارز داشت و با دستور سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، سرهنگ ابوالفضل طالب‌الحق، رئیس پلیس فتای مشهد، به همراه همکارانش مأمور رسیدگی به این پرونده‌ها شدند. در بررسی یکی از پرونده‌ها که مال‌باخته خانمی سی‌ودو ساله بود، مشخص شد که فردی ناشناس از طریق شبکه‌های اجتماعی با وی درباره خرید دلار یارانه‌ای ارتباط برقرار کرده و پس از ملاقات حضوری در یکی از پارک‌های محدوده شرق مشهد، با بیان اینکه در حال حاضر دلار یارانه‌ای به فروش نمی‌رسد، اقدام به تبلیغات فریبنده درباره حرفه‌ای‌بودنش در ارزهای دیجیتال و سود سرشار رمزارزها کرده و توانسته بود اعتماد شاکی را جلب کند.

دون‌پاشی!

اما ازآنجاکه شاکی تخصص کافی در حوزه رمزارز نداشته است، فرد کلاهبردار اقدام به راه‌اندازی کیف پول ارز دیجیتال برایش می‌کند. زن جوان ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان از پس‌اندازش را در اختیار این فرد می‌گذارد و مدتی سود خوبی بابت سرمایه‌گذاری دریافت می‌کند.

زن جوان با دریافت سود زیاد در مدت‌زمان کوتاه وسوسه می‌شود و با تبلیغات این فرد، یک میلیارد تومان دیگر را با فروش طلاهای مادر و خواهرش به امید پول‌دارشدن، یک‌شبه در اختیار این شیاد می‌گذارد، اما پس از مدتی متوجه خالی‌شدن کیف پولش می‌شود و ارتباطش با متهم قطع می‌شود.

یک کلاهبرداری کثیف

در بررسی‌های فنی کارشناسان پلیس فتا مشخص شد که فرد کلاهبردار تعدادی کیف پول برای شاکی فعال کرده و یکی از آن‌ها را روی تلفن همراه خودش راه‌اندازی و اقدام به انتقال ارزهای دیجیتال از کیف شاکی به کیف پول خودش کرده است.

گروه رسیدگی کننده پرونده با سرنخ‌های دیجیتالی به‌جامانده و استفاده از روش‌های نوین کشف جرائم سایبری، باوجود استفاده از روش‌های پنهان‌ساز هویتی، ضمن احراز هویت واقعی متهم، او را ردزنی و با هماهنگی مقام قضایی در اقدامی ضربتی و غافل‌گیرانه در محدوده منطقه طلاب دستگیر کردند.

متهم بیست‌ودوساله که تبعه خارجی است و همراه پدرش اقدام به کلاهبرداری در این زمینه کرده است، در بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه کلاهبرداری بود اما در ادامه تحقیقات، در رویارویی با ادله و مستندات دیجیتالی به‌دست آمده به کلاهبرداری اعتراف کرد.

با توجه به مستندات به دست آمده، تحقیقات از متهم برای کشف دیگر جرائم احتمالی کماکان ادامه دارد و شهروندانی که به این شیوه مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند، می‌توانند به اداره مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس فتا واقع در خیابان پیروزی ۲ مراجعه کنند.

کلاهبرداری در شرق کشور

پرونده دیگری که کارشناسان پلیس فتای مشهد توانستند آن را به نتیجه برسانند، موضوع کلاهبرداری به بهانه طلسم و رمالی بود.

زن سی‌ودوساله با ارائه مرجوعه قضایی به پایگاه سوم پلیس فتای مشهد از فردی که در یک صفحه اینستاگرامی با تبلیغاتی مبنی بر رمالی و دعانویسی از او کلاهبرداری کرده بود، شکایت کرد. شاکی در اظهاراتش به کارشناسان گفت که پس از ارتباط‌گیری با فرد آگهی‌دهنده و تبلیغات فریبنده‌اش مبنی بر گره‌گشایی، مبلغ ۹ میلیون تومان برای خرید طلسم و جادو به شماره کارت اعلامی واریز کرده است و پس از گذشت چند روز متوجه کلاهبرداری شده است.

دستگیری در غرب کشور

باتوجه به تراکنش مالی صورت گرفته و بررسی سوابق صفحه اینستاگرامی مجرمانه، سرنخ‌هایی از کلاهبردار دردسترس کارشناسان پلیس فتای مرکزی قرار گرفت و کارشناسان پلیس فتا با اقدامات تخصصی، متهم را در یکی از استان‌های جنوب‌غرب کشور شناسایی و با نیابت قضایی دستگیر کردند.

خوشبختانه با اقدامات انجام‌شده، مبلغ کلاهبرداری به‌حساب شاکی برگردانده شد. اما این موضوع دستاویز جدیدی برای اختلافات بین این زن و شوهرش شد که پلیس با معرفی آن‌ها به یکی از مراکز مشاوره نیروی انتظامی، روان‌شناسان این مرکز توانستند با ریشه‌یابی سوءتفاهم‌های پیش‌آمده در زندگی این زوج به آن‌ها کمک کنند.

روی خط حادثه

سوارى حامل محموله مرگ توقیف شد

شهرآرا| جانشین فرمانده انتظامی نیشابور از کشف ۱۰۳ کیلو و ۵۵۰ گرم تریاک خبر داد. سرهنگ رضا علیزاده گفت: پلیس مبارزه با مواد مخدر نیشابور توانست این محموله مواد افیونی را که با یک دستگاه پژو در محور کوهسرخ به نیشابور در حال انتقال بود، شناسایی و متوقف کند. به گفته سرهنگ علیزاده، مأموران انتظامی در بازرسی خودرو پژوپارس، ۱۰۳ کیلو و ۵۵۰ گرم تریاک را که ماهرانه جاسازی شده بود، کشف و یک متهم سابقه‌دار را هم در این زمینه دستگیر کردند. متهم به مراجع قضایی معرفی شده است.

سارقان سریالی شاهنامه در دام

دو متهم به یازده فقره سرقت از باغ‌ویلاهای محدوده بولوار توس مشهد، به دام پلیس افتادند.

مأموران پاسگاه انتظامی توس، سارقانی را که وسایل باغ‌ویلاهای محدوده بولوار شاهنامه و توس را با یک دستگاه وانت‌مزدای سرقتی، جابه‌جا می‌کردند، شناسایی و دستگیر کردند. متهمان علاوه‌بر سرقت خودرو به یازده فقره سرقت وسایل و لوازم خانه همچون کابل‌های برق، شیرآلات، پمپ آب، دستگاه فرز، در آهنی، کپسول گاز، یخچال، اجاق گاز و... اعتراف کرده‌اند.

پرایدها خون به پا کردند

برخورد سه خودرو در محور تایباد چند کشته و مجروح به‌جای گذاشت.

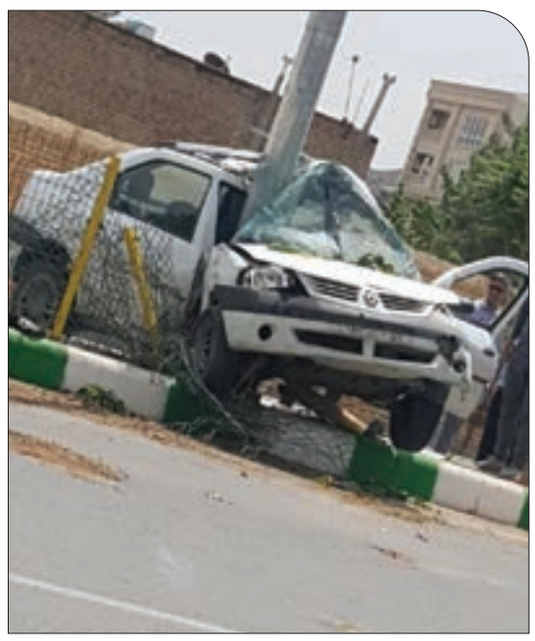
روز گذشته در پی برخورد سه دستگاه خودروسواری پراید با یکدیگر در محور تایباد به‌سمت مشهد ریزه که به‌دلایل نامعلومی اتفاق افتاد، سه نفر در صحنه تصادف فوت کردند. بررسی‌های بعدی نشان داد که در این حادثه ۹ نفر نیز مصدوم شده‌اند که برای مداوا از سوی اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند. علت این حادثه توسط پلیس در دست بررسی است.

عکس خبر

مرگ در میان آهن‌پاره‌های ال۹۰

قرآنی| رئیس پلیس راهور مشهد از وقوع یک فقره حادثه مرگ‌بار رانندگی در شهر خبر داد. به گفته سرهنگ عباس عابدینی، این حادثه در بولوار شهید کاوه مشهد رخ داد که در آن یک دستگاه خودروسواری ال۹۰ با تیر برق به‌شدت برخورد کرد. سرهنگ عابدینی بیان کرد: شدت حادثه به‌حدی بود که دو سرنشین این سواری جان خود را ازدست‌داده و اتاق خودرو مچاله شده است. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که این سواری در حال حرکت به علتی نامعلوم از مسیر منحرف و پس از برخورد با تیر برق و سه درخت متوقف شده است.





جدول ۳۴۷۹

